

نامی درخشان بر تارک دادگستری

محمد وجدانی مجتهدی بود که داور او را به دادگستری آورد. در یک دعوای حقوقی رضاشاه را محکوم کرد.

به نقل یکی از وکلای دادگستری؛ وقتی دیکتاتور در حضور دکتر متین دفتری از او پرسید: چرا ما را محکوم کردی؟ در پاسخ می گوید، برای آن که آحاد ملت ایران بدانند. وقتی شاه از او پرسید: چرا بر خلاف رسم مألوف رأی اقلیت را خواندید، گفت: اگر نمی خواندم که مردم نمی دانستند! در زمان کشف حجاب، مأموران نظمی، زنی محجبه و سرشناس و مؤمن را در قم تعقیب می کنند و به خانه او می ریزند و چادر از سرش می کشند. اهالی خانه و محل کتک مفصلی به مأموران می زنند. دادگاه عالی جنایی، ضاربان را به اتهام ایراد جرح به مأمور دولت در حین انجام وظیفه محاکمه و

محکوم می کند.

مرحوم محمد وجدانی

دادستان کل کشور از

این حکم فرجام خواهی

می کنند و

می گوید: «سرلوحه

حقوق بشر و قانون

اساسی، حرمت

مسکن مردم است.

احدی حق ندارد بدون

حکم مقام صالح

قضایی به مسکن مردم

وارد شود. موضوع رفع

حجاب قانون نیست تا

ایراد جرح به مأمور

دولت در حین انجام

وظیفه مصداق

داشته باشد، بلکه

موضوع رفع حجاب قانون

نیست تا ایراد جرح به

مأمور دولت در حین

انجام وظیفه مصداق

داشته باشد، بلکه

اعلیحضرت به تبعیت از

ملل راقیه چنین دستوری

داده اند. لذا به لحاظ

تخلف مأموران در

شکستن حرمت منزل

افراد، صدمات وارده به

مأموران دفاع مشروع

بوده و مأموران متخلف

باید تعقیب شوند

اعلیحضرت به تبعیت از ملل راقیه چنین دستوری داده اند. لذا به لحاظ تخلف مأموران در شکستن حرمت منزل افراد، صدمات وارده به مأموران دفاع مشروع بوده و مأموران متخلف باید تعقیب شوند. «با این استدلال وزین، دیوان عالی کشور حکم را می شکند و نهایتاً حکم برائت متهمان را صادر می کند و مأموران متخلف تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند. او با جثه ای بسیار نحیف و معلول یک تنه در قبال بسیاری از خودسری های رضا شاه ایستاد. او حافظ قوانین و حقوق ملت بود و تا زنده بود از حقوق عامه دفاع کرد.

